
اتحاد یا تعدد در روایات مشابه

بررسی تطبیقی عملکرد کتاب‌های وسائل الشیعه و جامع احادیث الشیعه

محمدعلی مهدوی‌راد*
محمدحسین بهرامی**

◀ چکیده:

روایات معصومین (ع) در مسیر نقل، در قالب نسخه‌های متعدد و نقل‌های متفاوتی درآمده است. گاه یک روایت در یک یا چند کتاب به صورت مکرر نقل شده و در برخی از موارد، نقل‌های متفاوت یک روایت، در متن یا سند با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد. هرچند مصادر ثانویه حدیث شیعه (برخلاف مصادر اولیه) برای شناسایی این روایات متحد تلاش فراوانی را شکل داده‌اند، ولی متأسفانه هیچ‌گاه متعرض مبانی نظری و مشکلات و مسائل آن نشده‌اند. در این مقاله، تلاش شده تا مباحثی از قبیل تعریف اتحاد و تعدد در روایات، فواید شناخت روایات متحد، معیارهای شناخت روایات متحد و مشکلات موجود در این مسیر به اجمال معرفی گردد. همچنین عملکرد دو کتاب وسائل الشیعه و جامع احادیث الشیعه در این باره مورد بررسی و مقایسه قرار خواهد گرفت.

◀ کلیدواژه‌ها:

اتحاد و تعدد، روایات مشابه، وسائل الشیعه، جامع احادیث الشیعه، تقطیع، نقل به معنی، تصحیف.

* استادیار دانشگاه تهران، پردیس قم

** عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه / mh_bahrami@miu.ac.ir

بیان مسئله

پس از صدور روایت از جانب معصومان (ع)، روایان به اشکال مختلف در صدور نقل آن برآمده‌اند. در برخی موارد، یک روایت بارها و احتمالاً به اشکال مختلفی نقل شده است. با گذر زمان و فاصله گرفتن از دوره صدور روایات، و در پی به وجود آمدن جوامع روایی متعدد، بسیاری از روایات دارای نسخه‌ها و نقل‌های متفاوتی شده‌اند. به تعبیر دیگر، گاه دو یا چند روایت نقل شده در یک یا چند منبع حدیثی، در حقیقت بیان‌های متعددی از یک روایت است که به شکلی یکسان یا متفاوت نقل شده است.

یکی از مسائل مورد توجه نگارندگان جوامع حدیثی، شناسایی و معرفی نقل‌های مختلف از یک روایت است. البته میزان توجه و نحوه برخورد با این قبیل موارد یکسان نیست. نگارندگان کتب اربعه و سایر معاصرین ایشان، غالباً توجه زیادی به این امر نکرده و تلاش زیادی برای شناسایی و معرفی این روایات از خود نشان نداده‌اند. حتی در مواردی، مؤلف در یک کتاب، روایت را با سندی و احیاناً به شکلی نقل کرده و در همان کتاب یا در سایر کتاب‌های خود آن روایت را با متن یا سندی متفاوت نقل کرده است. در مقابل، جوامع متأخر به این مسئله توجه بیشتری نکرده‌اند و شناسایی و معرفی روایات متحد یکی از مزایای مهم این کتاب‌ها به شمار می‌رود.

علی‌رغم اهمیت مسئله شناسایی روایات متحد و فعالیت‌هایی که در این باره توسط تدوین‌کنندگان جوامع حدیثی، به‌ویژه جوامع حدیثی متأخر صورت گرفته، در مباحث نظری علوم حدیث به صورت مستقل به این بحث پرداخته نشده است.¹

1. بر اساس بررسی‌های انجام شده، در این موضوع منبع مکتوبی یافت نشد. جزوه دست‌نویسی از حجة الاسلام محمد مسعودی با حواشی حجة الاسلام سید محمدجواد شبیری و تعدادی از محققان مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، که در این مرکز وجود داشت، تنها منبعی بود که در این زمینه مشاهده کرده و در تدوین این مقاله، به‌ویژه بخش فواید و مشکلات شناسایی روایات متحد، از آن بهره‌فراوانی برده‌ایم.

9 □ اتحاد یا تعدد در روایات مشابه؛ بررسی تطبیقی عملکرد کتاب‌های ...

البته این مسئله به معنی ناشناخته بودن این مفهوم در نزد حدیث‌پژوهان نیست. در ادامه و در بحث از پیشینه خواهد آمد که مفهوم اتحاد روایات در برخی از اصطلاحات و شیوه‌های تعامل با احادیث، مورد توجه حدیث‌پژوهان بوده است. در این مقاله، منظور از مفهوم اتحاد در روایات تبیین، و فواید شناسایی روایات متحد به اجمال بیان می‌شود. سپس معیارهای شناخت روایات متحد ذکر، و موانع موجود در مسیر شناخت اتحاد این روایات نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. آن‌گاه مبانی و معیارهای شناسایی روایات متحد در دو کتاب وسائل الشیعه و جامع احادیث، به عنوان دو جامع حدیثی مهم متأخر، بررسی می‌گردد و عملکرد این دو کتاب در این زمینه مقایسه می‌شود.

1. تعریف اتحاد و تعدد روایات

مقصود از روایات متحد در این گفتار، روایاتی است که حاکی از صدور حدیث واحدی از معصوم (ع) در یک مجلس باشد. به این ترتیب، اگرچه به صورت طبیعی، دو روایت متحد دارای موضوعی مشترک‌اند، اتحاد موضوعی دو روایت به معنای اتحاد دو روایت در صدور نیست. تعبیر و متون دو روایت نیز هرچند معمولاً به شکلی یکسان و یا با مشابهت فراوان نقل شده است، از طرفی ممکن است عبارت مشابهی از دو معصوم مختلف صادر شده باشد، یا از سوی دیگر، یک روایت واحد با دو عبارت مختلف نقل شده باشد. پس شباهت متنی نیز الزاماً به معنی اتحاد دو روایت در صدور نیست.

نسبت بین اسناد دو روایت متحد نیز ممکن است به یکی از شکل‌های زیر باشد:

1-1. نقل متوالی مصادر

ساده‌ترین شکل اسناد دو روایت متحد، ذکر روایت موجود در یک مصدر حدیثی توسط مصدر متأخر است. در این حالت، سند کتاب نقل‌کننده، اعم از سند کتاب منبع است.

هر چند در این شکل، اتحاد بین دو روایت کاملاً مشخص است، نباید از این مسئله غافل شد که این دو روایت، نسخه‌های متفاوتی از یک روایت می‌باشند و باید به عنوان روایات متحد شناسایی شوند و در ارتباط با یکدیگر مورد بررسی قرار گیرند.

در روایات متعددی که شیخ در کتاب تهذیب و استبصار از مرحوم کلینی نقل کرده، مثال‌های مناسبی برای مطلب فوق پیدا می‌شود. در کتاب وسائل به درستی هر دو نقل در قالب نقل‌های متفاوت از یک روایت، در کنار هم قرار گرفته و اشاره به یک نقل مانع از اشاره به دیگری نشده است.

2-1. اتحاد در بخشی از سند

شکل دوم اسناد آن است که روایت صادر شده از جانب معصوم (ع) علاوه بر اتحاد در مجلس صدور، در طبقه اول و احياناً برخی طبقات بعدی نیز توسط راوی یا راویان یکسانی نقل شده باشد، ولی در یکی از طبقات بعدی، چند راوی آن را نقل کرده و روایت از چند طریق متفاوت نقل شده و به چند روایت تبدیل شده باشد. برای نمونه در کتاب تهذیب آمده است:

«مَا أَخْبَرَنِي بِهِ الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصِ الْمَرْوَزِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ (ع) الْغُسْلُ بِصَاعٍ مِنْ مَاءٍ...

وَ رَوَى هَذَا الْحَدِيثَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصِ الْمَرْوَزِيِّ.» (شیخ طوسی، 1407ق، ج 1، ص 136، ح 65 و 66)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، «سلیمان بن حفص» روایت را از امام کاظم (ع) نقل کرده است، ولی روایت در طبقه دوم توسط دو راوی متفاوت نقل شده است. حتی اگر احتمال دهیم راوی مجهولی که در سند اول پیش از «سلیمان بن حفص» قرار گرفته، همان «موسی بن عمر» در سند دوم است، باز از طبقه سوم بین سند دو روایت تفاوت وجود دارد.

3-1. تفاوت کامل دو سند

سومین شکل از اتحاد، مربوط به مواردی است که هنگام صدور یک روایت از جانب معصوم (ع)، چند راوی در محفل حضور داشته و هر یک جداگانه روایت را نقل کرده باشند. به این ترتیب، سند دو روایت کاملاً با یکدیگر متفاوت است. برای نمونه در کتاب تهذیب آمده است:

«عَنْهُ (الحسين بن سعيد) عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا وَ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي الرَّجُلِ يُسَلِّفُ الرَّجُلَ الْوَرَقَ عَلَيَّ أَنْ يَنْقُدَهَا إِيَّاهُ بِأَرْضِ أُخْرَى وَ يَشْتَرِطُ ذَلِكَ عَلَيْهِ قَالَ لَا بَأْسَ.» (شیخ طوسی، 1407ق، ج 6، ص 203، ح 13)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، «زراره» و «یعقوب بن شعیب»، روایت را از امام (ع) شنیده و به وسیله طرق مختلفی آن را نقل کرده‌اند. این طرق در شیخ، به یکدیگر رسیده و ایشان دو روایت از دو راوی را در قالب یک روایت نقل کرده است. هر چند در روایت اول، احتمال صدور روایت از امام باقر (ع) وجود دارد، ولی قرینه نقل دو روایت در قالب یک روایت، حکایت از آن دارد که شیخ طوسی نیز احتمال اتحاد دو نقل و صدور آن‌ها از یک امام را قوی‌تر دانسته است.

4-1. فقدان سند

شکل چهارم نیز آن است که یکی از دو روایت مرسل بوده و راوی آن مشخص نباشد ولی بتوان از طریق قرآینی آگاه شد که هر دو یک مجلس را نقل می‌کنند. مرحوم حر عاملی در وسائل الشیعه بارها روایتی را از کتابی نقل کرده و سپس به نقل مرسل همان روایت در کتاب من لا یحضره الفقیه اشاره کرده است؛ برای نمونه در این کتاب آمده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ إِيَّاكُمْ وَالْكَسَلَ ... وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ مُرْسَلًا»¹

1. تفصیل وسائل الشیعه، ج 1، ص 115

2. پیشینه بحث

بحث نظری از اتحاد و تعدد روایات در منابع مربوط به حدیث و علوم حدیث، پیشینه نظری ندارد. این سخن به معنای عدم توجه پیشینیان به اتحاد روایات نیست، بلکه در موارد متعددی، مصادیق اتحاد روایات مورد نظر حدیث پژوهان بوده است ولی این مسئله به صورت مستقل مورد اشاره و توجه قرار نگرفته و جنبه‌های نظری آن توصیف نشده است. در ادامه، نمونه‌هایی از توجه به مصادیق در مباحث علوم حدیث و همچنین جوامع حدیثی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

2-1. اتحاد روایات در اصطلاحات حدیثی

برخی از اصطلاحات مورد بحث در *مصطلح الحدیث*، مبتنی بر مفروض گرفتن مفهوم اتحاد دو روایت است. برای مثال در اصطلاحات متواتر، مستفیض، مشهور و عزیز که بیانگر میزان تکرار روایت در مصادر روایی است، اتحاد بین روایات مکرر، مفروض گرفته شده است.¹

اصطلاح غریب المتن و غریب الاسناد نیز در صورتی به کار گرفته می‌شود که روایتی که چند بار با متن یا سند خاصی نقل شده است، در نقلی با سند یا متن متفاوت آمده باشد. در این صورت، نقل جدید، غریب المتن یا غریب الاسناد خوانده می‌شود.

روایت مزید نیز در جایی به کار می‌رود که ما باور به اتحاد آن با روایت دیگری داشته باشیم که در نقل دوم به صورت کوتاه‌تری نقل شده باشد.

مضطرب نیز بر روایتی اطلاق می‌شود که راوی یا راویان آن را یک بار با متن و سندی نقل کنند و در نقل‌های دیگر متن یا سند مخالفی را ذکر کنند. (شهید ثانی، 1381ش، ص 59 و 63 و 86 و 99)

2-2. اتحاد روایات در جوامع روایی

بررسی جوامع روایی نیز حکایت از آن دارد که برخی از شیوه‌های صاحبان این جوامع، مبتنی بر شناخت مصادیق روایات متحد است.

1. البته متواتر اجمالی از این بحث مستثنی است و مبتنی بر اتحاد دو روایت نیست.

در مصادر اهل سنت، مفهوم تخریح به معنای شناختن مصادر مختلف نقل کننده یک روایت و بررسی محتوا و سند آن و در نهایت، نقل آن با بهترین متن و سند است.

سخاوی در فتح المغیث در تعریف تخریح آورده است: «اخراج المحدث الحدیث من بطون الاجزاء و المشیخات و الکتب و نحوها. و سیاقها من مرویات نفسه او بعض شیوخه او اقرانه او نحو ذلك و الکلام علیها و عزوها لمن رواها من اصحاب الکتب و الدواوین مع بیان البدل و الموافقة و نحوهما مما سیئلتی تعریفه و قد یتوسع فی اطلاقه علی مجرد الاخراج و العزو.» (1426ق، ج 3، ص 330) همان‌گونه که در این تعریف آمده است، رکن اول تخریح، و در مواردی تمام آن، نقل روایت از مصادر مختلف است و این موضوع مبتنی بر تشخیص وحدت روایات نقل شده در مصادر مختلف با روایت مورد نظر می‌باشد.

اهل سنت، کتاب‌های متعددی در تبیین اصول و روش تخریح نوشته‌اند. همچنین در موارد متعددی، تخریح روایات یک راوی یا کتاب یا موضوع خاص و یا حتی تخریح یک روایت خاص موضوع تدوین کتاب قرار گرفته است.¹ بررسی این کتاب‌ها، نشانگر آن است که مفهوم تخریح، نزدیک‌ترین مفهوم به موضوع مورد بحث یعنی اتحاد و تعدد روایات است. اگر شناسایی روایات متحد را در دو مرحله شناسایی روایات مشابه و سپس شناسایی روایات متحد از میان روایات مشابه بدانیم، بخش دوم بحث در کتب تخریح مورد توجه قرار نگرفته است. از سوی دیگر، همان‌گونه که در تعریف تخریح گذشت، بخشی از مفهوم تخریح، بررسی‌های متنی و جرح و تعدیل‌های سندی است که خارج از موضوع اتحاد و تعدد است.

مسئله اتحاد و تعدد روایات در مصادر ثانویه حدیثی شیعه به شکل دیگری قابل مشاهده است. بررسی این مصادر حکایت از آن دارد که صاحبان این مصادر

1. برای مشاهده فهرستی از این فعالیت‌ها ر.ک: حمش، 1420ق، ص 13/الجهود السابقة فی علم تخریح الحدیث الشریف و الطحان، 1403ق، ص 18، اشهر کتب التخریح و التعریف ببعضها.

نیز تلاش کرده‌اند تا نسخه‌های مختلف یک روایت را از منابع مختلف اولیه یافته و در کنار یکدیگر نقل کنند. برای نمونه، بخش قابل توجهی از روایات کتاب‌هایی از قبیل *وافی و وسائل الشیعه* مشتمل بر بیش از یک سند است. بررسی روایات مشتمل بر بیش از یک سند در این کتاب‌ها، حکایت از آن دارد که این روایات، مصداق بحث اتحاد و تعدد روایات است، هرچند ممکن است در برخی از مصادیق بین این کتب اختلاف وجود داشته و یا در موارد معدودی برخی از مصادیق با تعریف ارائه شده در این مقاله سازگار نباشد.

3. روش شناخت روایات متحد

پس از آشنایی با مفهوم روایات متحد و فوایدی که از طریق شناسایی روایات متحد حاصل می‌شود، یکی از مسائل اصلی، روش عملی شناخت دو یا چند روایت متحد است. برای این کار باید دو مرحله طی شود.

همان‌گونه که در تعریف اتحاد و تعدد گذشت، دو روایت متحد از نظر موضوع با یکدیگر یکسان‌اند. همچنین این‌گونه روایات در اغلب موارد شباهت‌های فراوانی در متن و سند دارند. از این رو، مرحله اول شناخت روایات مشابه است و در مرحله دوم باید بر اساس ملاک و معیاری روایات متحد را از میان روایات مشابه بازشناخت.

3-1. شناسایی روایات مشابه

یکی از مسائل مطرح در کتب تخریج، شیوه یافتن روایت در مصادر پیشین است.¹

هرچند برخی از این موارد مبتنی بر ویژگی‌های ساختاری بخشی از مصادر اهل سنت است، ولی با توجه به شباهت فراوان بحث، در ادامه به ذکر برخی از مهم‌ترین روش‌های ذکر شده در این کتاب‌ها می‌پردازیم:

- از طریق موضوع حدیث

1. برای نمونه ر.ک: عبدالمهدی بن عبدالقادر، 1987م، فصول مختلف کتاب.

مهم‌ترین مصادر روایی، روایات را بر اساس موضوع دسته‌بندی کرده‌اند. برای یافتن روایات مشابه در این کتب بهتر است از طریق موضوعی جستجو کرد.

- از طریق عبارت آغازین حدیث

برخی از مصادر اهل سنت از قبیل کتبی که روایات مشهور را گردآوری کرده یا کتاب‌هایی که فهرست روایات را بر اساس حروف الفبا نقل ذکر نکرده‌اند، روایات را بر اساس عبارت آغازین آن فهرست کرده‌اند. در این موارد، برای یافتن روایت مورد نظر با توجه به عبارت آغاز متن می‌توان روایات مشابه را یافت.

- از طریق الفاظ حدیث به‌ویژه کلمات غیر رایج

رایانه از جمله ابزارهای جدید است که کمک شایانی به یافتن عبارات مشابه می‌کند. به این ترتیب می‌توان کلمه یا عبارتی از روایت مورد نظر را در کتب مختلف جست‌وجو کرد و روایات دارای عبارت مشابه را یافت. برای جلوگیری از مواجه شدن با نتایج فراوان و غیر مرتبط باید واژه‌ها و عباراتی را جست‌وجو کرد که رایج و احتمال تکرار آن نیز زیاد نبوده است.

- از طریق آخرین راوی

از شیوه‌های رایج اهل سنت در ترتیب روایات، نگارش مسانید است. در این کتاب‌ها، روایات بر اساس نام آخرین راوی ذکر شده در سند فهرست شده است. به این ترتیب، با بررسی روایات آخرین راوی، می‌توان روایات مشابه آن را در میان روایات وی بازیابی کرد.

2-3. معیار حکم به اتحاد

پس از شناسایی روایات بر اساس مشابهت‌های موضوعی، سندی و متنی، نوبت به حکم به اتحاد دو روایت مشابه می‌رسد، چون الزاماً شباهت دو روایت در موضوع، متن و سند به معنای اتحاد آن‌ها در مجلس صدور نیست.

البته هر قدر بر شباهت دو روایت افزوده شود، احتمال اتحاد بین آن دو بیشتر می‌شود، به‌ویژه روایاتی که در آن‌ها قضیه خاصی از جانب معصوم (ع) نقل می‌شود که وقوع مکرر آن در حالت عادی بعید به نظر می‌رسد. برای مثال در

برخی موارد، تعداد زیادی از سؤال و جواب‌ها با ترتیب و شکل معینی بین معصوم(ع) و راوی تبادل می‌شود. در این قبیل روایات، احتمال آنکه این تکرار ناشی از وقوع مکرر مسئله باشد، بسیار بعید بوده و باید آن را حمل بر اتحاد روایات کرد. در این میان، هرچه بر قرآینی از قبیل شباهت عبارات، طول روایت، تعدد اتفاقات منقول در آن، و نادر بودن حادثه گزارش شده افزوده شود، احتمال اتحاد بیشتر می‌شود. نکته قابل توجه آن است که بررسی روایات مشابه همواره به حکم قطعی نسبت به اتحاد یا تعدد دو روایت نینجامیده و در برخی موارد، در مرحله احتمال باقی خواهد ماند.

4. فواید شناسایی روایات متحد

با توجه به نو بودن بحث نظری از روایات متحد، در این بخش به اجمال به بیان فواید ناشی از شناسایی روایات متحد می‌پردازیم. فواید شناسایی روایات متحد را می‌توان در چند بخش بیان کرد که عبارت‌اند از:

4-1. فواید رجالی

یکی از فواید شناسایی روایات متحد و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، کمک به حل مشکلات رجالی است. ممکن است روایتی که در کتابی به صورت مرسل نقل شده، در کتاب دیگر به صورت مسند نقل شده و سند قابل قبولی داشته باشد، یا فردی که در یک سند به صورت مبهم از وی یاد شده، در سند دیگر با نام کامل ذکر شده باشد. همچنین اسامی تصحیف شده را می‌توان با در کنار هم قرار دادن نقل‌های مختلف از یک روایت شناسایی کرد. اغلب فواید رجالی اختصاص به مواردی دارد که روایات علاوه بر اتحاد در مرحله صدور، در بخشی از مراحل نقل نیز متحد باشند.

بهترین نمونه برای مشاهده فواید رجالی، 630 روایتی است که صاحب وسائل، پس از نقل روایت مسند، تعبیر «و رواه الصدوق مرسلًا» را به کار برده است. به تعبیر دیگر، وسایل 630 روایت مرسل کتاب فقیه را با نقل مسند نیز نقل کرده است.

در کتاب کافی در سند روایتی در کتاب وصایا چنین آمده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ رَافِعِ
الْبَجَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ لِرَجُلٍ سُكْنَى دَارٍ ...»
(کلینی، 1407ق، ج 7، ص 38، ح 39)

جست‌وجو در منابع رجالی، حاکی از آن است که در هیچ کتابی از خالد بن رافع نام برده نشده است، ولی کتاب وسائل، این روایت را با روایتی از کتاب تهذیب و روایتی از کتاب فقیه متحد دانسته و از این طریق توانسته است به وجود تصحیف در نام این روای پی ببرد. (حر عاملی، 1409ق، ج 19، ص 227، ح 24474) در سند این روایت در کتاب‌های تهذیب و فقیه به جای «خالد بن رافع»، عبارت «خالد بن نافع» به کار رفته است. (شیخ طوسی، 1407ق، ج 9، ص 142، ح 41/ شیخ صدوق، 1413ق، ج 4، ص 252، ح 5596)

مرحوم آیت الله بروجردی در کتاب‌های ترتیب‌الاسانید خود، روایات دارای اسناد مشابه را، فارغ از اتحاد یا تعدد آن‌ها، کنار هم قرار داده و از این طریق بسیاری از مشکلات موجود در اسناد روایات را حل کرده است. طبیعی است فواید حاصل از شناسایی و مقایسه روایات متحد بسیار بیشتر از روایاتی است که تنها از جهت سند مشابه یکدیگرند.

2-4. فواید متنی

دومین دسته از مزایایی که ممکن است در اثر کنار هم قرار دادن و مقایسه روایات متحد به دست آید، فواید متنی است. متن روایات نیز ممکن است در هنگام نقل، دچار تصحیف، سقط یا زیاده شده باشد که با استفاده از این روش می‌توان نسبت به شناخت و رفع این اشکالات اقدام کرد.

برای نمونه در کتاب تهذیب آمده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا تَقُولُ فِي الْاِعْتِكَافِ بَعْدَ إِدَاةِ فِي بَعْضِ مَسَاجِدِهَا فَقَالَ لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا فِي مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ قَدْ صَلَّى فِيهِ إِمَامٌ عَدَلَ صَلَاةَ جَمَاعَةٍ وَلَا بِأَسْ أَنْ يُعْتِكَفَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَ مَسْجِدِ مَكَّةَ وَ فِي رِوَايَةٍ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ مِثْلَ ذَلِكَ وَ زَادَ فِيهِ مَسْجِدَ الْبَصْرَةِ.» (شیخ طوسی، 1407ق، ج 4، ص 291، ح 14 و 15)

همان گونه که مشاهده می شود، تهذیب، دو نقل از یک روایت را کنار هم قرار داده است که در اولی از مساجد کوفه، مدینه و مکه نام برده شده و در دومی مسجد بصره نیز به مساجد قبلی افزوده شده است، و به این ترتیب وجود تفاوت در متن این دو نقل را معین کرده است. تشخیص آنکه در این موارد باید به زیاده عمل کرد یا نقیصه، از موضوع بحث فعلی خارج است.

3-4. شناسایی موارد تقطیع در روایات

یکی از مهم ترین دسته های روایات متحد، روایاتی است که تقطیع شده اند. در موارد متعددی، نقل تقطیع شده روایت موجبات سوء فهم را فراهم کرده است.¹ به همین جهت، محققان باید ضمن توجه به این مسئله در جهت به دست آوردن شکل اولیه و کامل روایت تلاش کنند.

در این نمونه ها ممکن است یک روایت به چند بخش تقسیم و قسمت های روایت به صورت مجزا نقل شده باشند. در برخی موارد نیز، روایت در جایی به صورت کامل نقل شده و در سایر موارد قطعاتی از آن نقل شده است. یا اینکه بین دو نقل از روایت، عموم و خصوص من وجه برقرار بوده و علاوه بر قسمت مشترک، هر یک افزوده ای نسبت به دیگری دارد.

1. برای مشاهده نمونه هایی از شناخت مشکل تقطیع و حکم به اتحاد روایات تقطیع شده به این موارد توجه کنید: نجفی، 1367ش، ج 30، ص 319/ غروی، 1410ق، ج 5، ص 100.

به سه روایت زیر توجه کنید:

کافی: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ الْكَنْزِ كَمْ فِيهِ قَالَ الْخُمْسُ وَعَنِ الْمَعَادِنِ كَمْ فِيهَا قَالَ الْخُمْسُ وَكَذَلِكَ الرَّصَاصُ وَالصُّفْرُ وَالْحَدِيدُ وَكُلُّ مَا كَانَ مِنَ الْمَعَادِنِ يُؤْخَذُ مِنْهَا مَا يُؤْخَذُ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ.» (کلینی، 1407ق، ج 1، ص 546، ح 19)

کافی: «عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْعَنْبَرِ وَغَوْصِ اللُّؤْلُؤِ فَقَالَ (ع) عَلَيْهِ الْخُمْسُ.» (همان، ج 1، ص 548، ح 28)

تهذیب: «وَعَنْهُ [علی بن مهزیار] عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْعَنْبَرِ وَغَوْصِ اللُّؤْلُؤِ فَقَالَ عَلَيْهِ الْخُمْسُ قَالَ وَسَأَلْتُهُ عَنِ الْكَنْزِ كَمْ فِيهِ قَالَ الْخُمْسُ وَعَنِ الْمَعَادِنِ كَمْ فِيهَا قَالَ الْخُمْسُ وَعَنِ الرَّصَاصِ وَالصُّفْرِ وَالْحَدِيدِ وَ مَا كَانَ بِالْمَعَادِنِ كَمْ فِيهَا قَالَ يُؤْخَذُ مِنْهَا كَمَا يُؤْخَذُ مِنَ مَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ.» (شیخ طوسی، 1407ق، ج 4، ص 121، ح 3)

در صورت حکم به اتحاد این سه روایت، روایاتی که در کتاب کافی تقطیع شده است، به قرینه کتاب تهذیب تکمیل خواهد شد.

4-4. کمک به استنباط‌های فقهی

در استنباط احکام از روایات، قواعدی به کار برده می‌شود که توجه به روایات متحد و شناسایی آن‌ها در برخی موارد، مسیر استنباط و به کارگیری این قواعد را دچار تحول می‌سازد.

برای نمونه، در برخی موارد تکرار بیان یک حکم از جانب معصوم (ع) دلیل بر صحت حکم شمرده می‌شود و در استنباط فقهی، موجب ترجیح آن بر دلایل مخالف می‌گردد. در صورتی که اتحاد روایات اثبات کننده یک حکم ثابت شود، دیگر تکرار نقل آن نمی‌تواند دلیل بر ترجیح یک حکم بر حکم دیگر گردد.

یا اینکه فقها در بسیاری از موارد با دقت فراوان نکاتی را از ویژگی‌های جزئی تعابیر روایات استفاده کرده و اصل را بر آن می‌دانند که تعابیر ائمه (ع) به صورت

دقیق و بی‌هیچ کم و کاست برای ما نقل شده است. در این قبیل موارد نیز، اثبات اتحاد بین دو روایت که از نظر تعابیر با یکدیگر متفاوت‌اند، حکایت از آن دارد که حداقل یکی از دو تعبیر از جانب راویان بوده و تعبیر معصوم (ع) نیست. مرحوم آیت الله بروجردی در شیوه استنباط خود، همواره به این نکات توجه داشته و در پی شناسایی روایات متحد برآمده‌اند.

«مرحوم بروجردی، این اختلاف‌ها [در نقل‌های مختلف از یک روایت] را ناشی از تداول نقل به معنا در گزارش سیره و یا کلام معصومان (ع) می‌دانست و بر این باور بود که امام (ع)، حکم را یک‌بار بیان کرده است، شنوندگان مجلس، هر کدام بر پایه مقدار برداشت و فهم خود، حکم را در قالب الفاظ و تعابیر خود، نقل کرده‌اند. بنابراین، اولاً احتمال تعدد روایت و بیان مکرر آن از سوی معصوم (ع) منتفی می‌گردد؛ ثانیاً حجیت تعابیر و ساختار کلام، غیر قابل اثبات می‌شود، زیرا تعابیر و ساختار کلام، بین احتمال آنکه از امام باشد و یا تعبیر برگزیده راوی، مردد می‌گردد و در نتیجه، بسیاری از برداشت‌ها و اجتهادها— که ناشی از توجه به تفاوت‌های تعبیری و یا ساختار بیانی است و در احتیاط‌های فقهی نمود پیدا می‌کند— قابل نقد و تردید می‌شوند؛ ثالثاً تشخیص «اضطراب در متن» که در مباحث *درایة الحدیث*، یکی از ابزارهای شناخت صحّت و سقم حدیث است، نیازمند دقت بیشتر می‌گردد، زیرا اضطراب در متن، همواره به مفهوم عدم صدور روایت نخواهد بود و ممکن است ناشی از ضعف و ناتوانی ادبی راوی نخستین باشد.» (سلطانی، 1379 ش، ص 32)

سومین کمک شناسایی روایات متحد به استنباط‌های فقهی، کاستن از حجم روایاتی است که باید از نظر متن و سند مورد بررسی قرار گیرند.

5-4. نگاه تاریخی به سیر تدوین حدیث

یکی از فواید شناسایی روایات متحد، آن است که با بهره‌گیری از نتایج این شناسایی، می‌توان نگاه بهتری به تاریخ تدوین حدیث و اتفاقاتی که در دوره‌های مختلف در ارتباط با احادیث به وقوع پیوسته، داشت.

برای مثال، میزان نقل به معنی در دوره‌های مختلف نقل حدیث و یا توسط راویان مختلف، میزان و چگونگی تقطیع در دوره‌های مختلف نقل حدیث و هر یک از مصادر و یا راویان، میزان دقت مصادر یا راویان مختلف در نقل تعبیر روایات، میزان صحت نسخه‌هایی از مصادر که در دسترس مؤلفان جوامع قرار داشته و نکاتی از این قبیل، مسائلی است که با نگاه کلی به نتایج حاصل از کنار هم قرار دادن نسخه‌های مختلف روایات متحد، و مقایسه آن‌ها به دست می‌آید.

در ادامه با ذکر نمونه‌هایی روشن خواهد شد که بر اساس مشاهده تفاوت نقل در روایات کتاب مقنعه با سایر کتاب‌ها، به نظر می‌رسد مرحوم شیخ مفید در این کتاب در برخی از موارد در صدد نقل به معنی بوده و گاه توضیحاتی از خود را به روایات افزوده است.

به این ترتیب، نباید تمام روایات نقل شده در این کتاب را عین عبارت معصوم (ع) دانست.

4-6. هم‌افزایی بین اطلاعات موجود در مورد روایت

علما در طی سال‌های متمادی، مطالبی را در رابطه با جوانب مختلف هر روایت نوشته‌اند که این مطالب در بین کتب حدیثی پراکنده است. برای مثال، ممکن است روایتی در هنگام نقل در یک کتاب شرح شده باشد و در کتاب دیگر، نقل دوم از این روایت مورد بررسی و کنکاش سندی قرار گرفته باشد و در نقل سوم متحد با آنکه در کتاب سومی آمده، نکته مهمی در رابطه با ویژگی‌های سندی روایت ذکر شده است.

شناسایی اتحاد بین این سه روایت می‌تواند علاوه بر کنار هم قرار دادن متن آن‌ها، اطلاعات مرتبط با روایت را نیز در کنار هم قرار دهد تا محققان و پژوهشگران به حجم وسیعی از تلاش‌های پیشینیان خود در ارتباط با شرح، تفسیر، ترجمه، و سایر بررسی‌های سندی و متنی دسترسی داشته باشند.

5. مشکلات موجود در مسیر شناخت روایات متحد

گفتیم که روایات متحد از نظر موضوع، یکسان، و از نظر متن و سند نیز احتمال مشابهت بین آنها فراوان است؛ ولی در این میان، عواملی وجود دارد که موجب ایجاد تفاوت بین دو روایت شده و مانع از شناسایی روایات متحد گردیده است. در ادامه به برخی از این موانع اشاره می‌شود.

5-1. نقل به معنی

از آنجا که امکان نگارش حدیث در بسیاری از موارد در مجلس صدور فراهم نبوده، راویان حدیث همواره این نگرانی را داشته‌اند که نتوانند روایت را به صورت دقیق با همان الفاظی که از معصوم (ع) صادر شده، نقل کنند. این موضوع در موارد متعددی از خود معصومین (ع) نیز سؤال شده و در پی آن، حکم جواز نقل به معنی از جانب ایشان صادر شده است. برای نمونه در کتاب کافی آمده است:

«... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَسْمَعُ الْحَدِيثَ مِنْكَ فَأَزِيدُ وَ أَنْقُصُ قَالَ إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مَعَانِيَهُ فَلَا بَأْسَ»¹ (کلینی، 1407ق، ج 1، ص 51، ح 2)

در کتب علوم حدیث نیز علما نقل به معنی را به صورت مشروط پذیرفته‌اند. (شهید ثانی، 1381، ص 154/ غفاری، 1369، ص 190/ رامهرمزی، 1404ق، ص 533)

بدین ترتیب، روایتی که از طرق متعدد و با نقل‌های متفاوتی به دست طبقات متأخر رسیده، ممکن است در یکی از طبقات نقل به معنی شده باشد. به همین دلیل، نمی‌توان همواره انتظار داشت روایات متحد از نظر تعبیر شبیه هم باشند. از این رو، نقل به معنی یکی از موانع شناسایی روایات مشابه به شمار می‌رود.

5-2. تصحیف

با توجه به شیوه‌ها و ابزارهایی که در دوره‌های اولیه کتابت حدیث در میان راویان مرسوم بوده، در موارد زیادی تعبیر روایات تصحیف شده و تغییر شکل

1. همچنین مراجعه شود به روایات باب آداب الروایه از بحار الانوار. (علامه مجلسی، 1403ق، ج 2، ص 158)

یافته است. وقوع تصحیف در برخی از نقل‌های روایات متحد، یکی از مشکلاتی است که موجب ایجاد تفاوت‌های جدی بین دو نقل شده، و مانعی بر سر راه شناسایی اتحاد روایات به شمار می‌رود.

در برخی مواقع، این تصحیف در سند روایت و یا حتی در نام معصوم(ع) بوده و امر شناسایی اتحاد بین دو روایت را کاملاً با مشکل مواجه می‌سازد. بر این اساس، وجود برخی تفاوت‌ها و حتی در برخی از موارد، تغایرها بین متن یا سند و یا حتی نام معصومی که روایت از وی نقل شده، نباید دلیل قطعی بر عدم اتحاد دو روایت به شمار آید.¹

3-5. تقطیع

سومین مانع در مسیر شناسایی روایات متحد، تقطیع روایات است. در برخی موارد، یک روایت به چند بخش تقسیم شده است. در صورتی که نقل کامل روایت در یکی از منابع حدیثی وجود داشته باشد، شناسایی قطعات آن در سایر منابع کار چندان دشواری نیست.

همچنین اگر بین قطعات به وجود آمده نقاط مشترکی وجود داشته باشد، می‌توان بر اساس این قطعات بار دیگر روایت را بازسازی کرد و روایت اصلی را به دست آورد.

ولی در برخی موارد، یک روایت به چند بخش تقسیم شده و نقطه اشتراکی که بتوان بر اساس آن به اتحاد روایات پی برد و روایت را بازسازی کرد، وجود ندارد.

مواردی که یک راوی با سندی مشترک، روایات متعددی را از ابتدا تا انتهای احکام یکی از عبادات از قبیل نماز یا حج از یکی از ائمه(ع) نقل می‌کند، از مصادیق بارز این بحث به شمار می‌رود. در این موارد، به احتمال زیاد، یک روایت مفصل در بیان کامل حکم از امام(ع) صادر شده است، ولی صاحبان جوامع روایی

1. مرحوم آیت الله محمدتقی شوشتری از جمله عالمانی است که تحریف و تصحیف جایگاه مهمی در دیدگاه‌های حدیثی ایشان داشته است. برای تفصیل بیشتر ر.ک: بهرامی، 1383.

برای تبویب بهتر، اقدام به تقطیع این قبیل روایات کرده‌اند. در صورتی که متن روایت اصلی در هیچ یک از مصادر به صورت کامل نقل نشده باشد، تشخیص اتحاد این روایات و بازسازی روایت اصلی، کار دشواری خواهد بود.

6. روایات متحد در وسائل و جامع احادیث

همان‌گونه که در ابتدای بحث گذشت، توجه به مسئله روایات متحد در منابع متأخر بیشتر مورد توجه صاحبان جوامع روایی قرار گرفته است. وسائل الشیعه، یکی از مهم‌ترین این جوامع است که در مسیر نقل روایات، تلاش زیادی برای شناسایی و اشاره به روایات متحد کرده است.

جامع احادیث شیعه نیز از دو جهت مورد توجه است؛ اولاً این کتاب ناظر به کتاب وسایل و با هدف رفع نقایص آن به نگارش درآمده است، ثانیاً شناسایی روایات متحد، جایگاه والایی در اندیشه مرحوم آیت الله بروجردی، که این کتاب بر اساس دیدگاه‌های ایشان نوشته شده است، دارد.

ویژگی‌های مسئله اتحاد و تعدد روایات در این دو کتاب را می‌توان در عناوین زیر خلاصه کرد:

6-1. تعدد حکم به اتحاد روایات

بررسی روایات کتب اربعه حکایت از آن دارد که صاحبان این کتب، غالباً برای نقل یک روایت تنها به ذکر یک نسخه از آن اکتفا می‌کرده‌اند. روایاتی از تهذیب که در استبصار با سند متفاوتی نقل شده‌اند، نمونه روشنی از این مسئله است.

در مقابل، در جوامع ثانویه، این مسئله از اهمیت خاصی برخوردار شده و در این مصادر، سعی زیادی برای شناسایی نقل‌های مختلف یک روایت و در کنار هم قرار دادن آن‌ها صورت گرفته است. کامل‌ترین شکل این مسئله در روایات فقهی در کتاب وسائل الشیعه و در پی آن در کتاب جامع احادیث الشیعه قابل مشاهده است. در این دو کتاب تا حد زیادی تلاش شده است تا به نقل‌های مختلف یک روایت اشاره شود.

در کتاب *وسائل الشیعه* پس از نقل سند و متن یک روایت، اسناد سایر نقل‌های متحد به صورت ذیلی مورد اشاره قرار گرفته است. مقصود از سند ذیلی، آن است که بخش متفاوت سند نقل شده و سپس با تعبیری از قبیل مثله و نحوه، به شباهت بقیه سند و متن اشاره شده است. برای مثال به روایت زیر توجه کنید:

«[محمد بن یعقوب] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَتَكَلَّمُ الْعَامِلُونَ لِي عَلَيَّ أَعْمَالِهِمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا لِثَوَابِي ...

وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ مِثْلَهُ
وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ فِي التَّوْحِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
وَ رَوَاهُ الطُّوسِيُّ فِي مَجَالِسِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُفِيدِ عَنِ ابْنِ قُؤَيْبَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ

وَ رَوَاهُ أَيْضاً عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُفِيدِ عَنْ عُمَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرُوبٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنِ الرَّضَا عَنْ آبَائِهِ (ع) مِثْلَهُ. «(حر عاملی، 1409ق، ج 1، ص 96) همان‌گونه که مشاهده می‌شود، *وسائل* روایت را از یک منبع نقل کرده و سپس اسناد چهار روایت دیگر را به صورت ذیلی ذکر کرده است.

در کتاب *جامع احادیث*، به تقلید از کتاب *وافی* برای اشاره به روایات متحد غالباً از شیوه نقل متداخل روایات استفاده شده است. در این شیوه، بخش‌های متفاوت از هر نقل با ذکر نام کتاب مورد اشاره قرار گرفته و سپس به بخش مشترک اشاره شده است؛ برای نمونه به مثال زیر توجه کنید:

«کافی، ج 3، ص 274: الحسين بن محمد، عن احمد بن اسحق، عن بكر بن محمد الازدي؛ تهذيب، ج 2، ص 40: محمد بن علي بن محبوب، عن العباس، عن بكر بن محمد، قال: فقيه، ج 1، ص 140: قال ابو عبدالله عليه السلام لفضل الوقت الاول على الاخير خير للرجل من ولده و ماله.» (بروجردی، 1371، ج 4، ص 176، ح 5597)

2-6. بهره‌گیری از فواید شناخت روایات متحد

در این دو کتاب، اسناد روایات متحد غالباً در کنار یکدیگر ذکر شده و امکان مقایسه بین آنها حاصل می‌گردد. به این وسیله بسیاری از ابهامات یا اشکالات ناشی از تفاوت دو سند برای مخاطب روشن می‌گردد. شیوه سائل در این زمینه آن است که سند صحیح‌تر یا روشن‌تر را برای مخاطب خود ذکر، و از اشاره به جزئیات تفاوت‌ها اجتناب می‌کند. بر خلاف جامع احادیث که در بسیاری از موارد، جزئیات تفاوت‌های بین دو سند را نیز روشن می‌کند.

در رابطه با متون نیز، وسائل الشیعه پس از نقل یک روایت و ذکر سند نقل دوم به صورت ذیلی، در برخی موارد اقدام به ذکر تفاوت‌های دو متن می‌کند، که غالباً به ذکر کاستی‌ها و افزودگی‌های قابل توجه می‌پردازد. در کتاب جامع احادیث نیز علاوه بر ذکر تفاوت دو متن از جهت کاستی و افزودگی، با استفاده از روش‌هایی همچون پاورقی و پراگماتیک، تفاوت‌های عبارتی جزئی نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد. بدین شکل، تدوین‌کنندگان این دو کتاب علاوه بر کنار هم قرار دادن دو یا چند روایت متحد به برخی از فواید شناسایی این روایات نیز اشاره کرده‌اند. ضمن اینکه با کنار هم قرار گرفتن دو روایت متحد، زمینه برای خواننده هر یک از این دو کتاب نیز فراهم می‌شود تا ضمن مقایسه دو نقل، از فوایدی که برای شناسایی و مقایسه روایات متحد ذکر شد، بهره‌مند گردد.

برای نمونه، وسائل در نقل روایتی آورده است:

«و یاسناده (صدوق) عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ أَوْصَانِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَقَالَ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ حُسْنِ الصُّحْبَةِ لِمَنْ صَحِبْتَ وَ لَأَقْوَىٰ إِلَّا بِاللَّهِ

وَ رَوَاهُ الْكَلْبِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ وَ حُسْنِ الصُّحْبَةِ لِمَنْ صَحِبْتَ

وَ رَوَاهُ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ مِثْلَهُ.» (حر عاملی،

1409ق، ج 12، ص 11، ح 15511)

به این ترتیب، ضمن کنار هم قرار دادن اسناد کتاب‌های فقیه، کافی و محاسن به تفاوت عبارتی کافی و فقیه هم اشاره کرده است. جامع‌احادیث با توجه به تفاوتی که در شیوه نقل متن و سند روایات متحد دارد، در هنگام نقل این روایات چنین آورده است:

«کافی، ج 2، ص 491: محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن محمد بن سنان؛ فقیه، ج 2، ص 180: عن عمار بن مروان (الکلبی - فقیه) قال اوصانی ابو عبدالله علیه السلام فقال اوصیک بتقوی الله و اداء الامانة و صدق الحدیث و حسن الصحابة (1) لمن صحبت (و لا حول - المحاسن) و لا قوة الا بالله.

المحاسن، ص 358: البرقی عن ابیه عن محمد بن سنان عن عمار بن مروان الکلبی قال اوصانی ابو عبدالله علیه السلام و ذکر مثله (1) و حسن الصحبة لمن صحبت - فقیه.»

3-6. توجه به مشکلات شناخت روایات متحد

مشاهده نمونه‌های حکم به اتحاد دو روایت در کتاب‌های وسائل و جامع‌احادیث، به خوبی نشانگر آن است که دو مؤلف نسبت به مشکلات به وقوع پیوسته در شناسایی روایات متحد توجه داشته و این مشکلات مانع از تشخیص و معرفی روایات متحد نشده است.

در این بخش به شیوه تعامل دو کتاب با روایاتی که دچار نقل به معنی، تصحیف و تقطیع شده‌اند، می‌پردازیم.

- نقل به معنی

شیوه عملکرد دو مؤلف در مسئله نقل به معنی یکسان نیست. در کتاب جامع‌احادیث شیعه با توجه به نظر آیت الله بروجردی در فقه، مبنی بر اتحاد بسیاری از روایات و ضرورت شناخت موارد آن، توجه بیشتری به مسئله نقل به معنی شده است. (سلطانی، 1379، ص 32)

از همین رو، در برخی موارد که وسائل دو روایت مشابه را از یکدیگر مجزا دانسته و هر یک را به تنهایی نقل کرده است، جامع‌احادیث حکم به اتحاد دو

روایت داده و نسبت به نقل دو روایت در قالب یک روایت واحد اقدام کرده است. برای نمونه به دو روایت زیر توجه کنید:

کافی: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ سِنَانَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يُسَافِرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَعَهُ جَارِيَةٌ لَهُ فَلَهُ أَنْ يُصِيبَ مِنْهَا بِالنَّهَارِ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تَعْرِفُ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ إِنَّ لَهُ فِي اللَّيْلِ سَبْحًا طَوِيلًا قُلْتُ أَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَأْكُلَ وَيَشْرَبَ وَيَقْصِرَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ رَخَّصَ لِلْمُسَافِرِ فِي الْأُفْطَارِ وَالتَّقْصِيرِ رَحْمَةً وَتَخْفِيفًا لِمَوْضِعِ التَّعَبِ وَ النَّصَبِ وَ وَعَثِ السَّفَرِ وَ لَمْ يُرَخِّصْ لَهُ فِي مُجَامَعَةِ النِّسَاءِ فِي السَّفَرِ بِالنَّهَارِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ أَوْجَبَ عَلَيْهِ قِضَاءَ الصِّيَامِ وَ لَمْ يُوجِبْ عَلَيْهِ قِضَاءَ تَمَامِ الصَّلَاةِ إِذَا أَبَ مِنْ سَفَرِهِ ثُمَّ قَالَ وَ السُّنَّةُ لَا تُقَاسُ وَ إِنِّي إِذَا سَافَرْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مَا أَكَلْتُ إِلَّا الْقُوتَ وَ مَا أَشْرَبْتُ كُلَّ الرَّيِّ» (کلینی، 1407ق، ج 4، ص 134، ح 5)

کافی: «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي جَارِيَتَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِالنَّهَارِ فِي السَّفَرِ فَقَالَ مَا عَرَفَ هَذَا حَقَّ شَهْرِ رَمَضَانَ إِنَّ لَهُ فِي اللَّيْلِ سَبْحًا طَوِيلًا.» (همان، ج 4، ص 134، ح 6)

کافی، این دو روایت را به صورت پی در پی و بدون اشاره به اتحاد آنها نقل کرده است. وسائل نیز به تبعیت از کافی این دو را از یکدیگر مجزا دانسته و آنها را به عنوان دو روایت ذکر کرده است. (حر عاملی، 1409ق، ج 10، ص 206، ح 13231 و 13232) ولی در جامع احادیث با توجه به اتحاد موضوع و شباهت تعبیر و همچنین اتحاد آخرین راوی، تفاوت‌ها ناشی از نقل به معنی دانسته شده و دو روایت در قالب روایت واحدی نقل شده است. (بروجردی، 1371ق، ج 11، ص 530، ح 15411)

- تصحیف و تقطیع

بر خلاف مسئله نقل به معنی، تصحیف در متن یا سند روایت مانع از حکم به اتحاد روایات در وسائل نشده است. در این کتاب، بسیاری از روایات که

مشابه یکدیگرند، و تفاوت‌های جزئی موجود به احتمال زیاد ناشی از تصحیف در نقل است، در قالب یک روایت نقل شده است. هرچند شیوه حر عاملی در وسائل آن است که معمولاً به این تفاوت‌های جزئی اشاره نمی‌کند.

یکی از نمونه‌های بارز توجه به مشکل تصحیف و حکم به اتحاد دو روایت، مواردی است که علی‌رغم تفاوت در نام امام (ع) حکم به اتحاد دو روایت شده است. برای نمونه به سه روایت ذیل توجه کنید:

کافی: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ سَأَلْتُهُ عَمَّا يُخْرَجُ مِنَ الْبَحْرِ مِنَ اللَّؤْلُؤِ وَالْيَاقُوتِ وَالزَّبْرَجَدِ وَ عَنِ مَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ مَا فِيهِ قَالَ إِذَا بَلَغَ ثَمَنُهُ دِينَاراً فَفِيهِ الْخُمْسُ.» (کلینی، 1407ق، ج 1، ص 547، ح 21)

المقنعه: «و سئل الصادق (ع) عن مقدار ما يجب فيه الخمس مما يخرج من البحر كاللؤلؤ و الياقوت و الزبرجد و عن معادن الذهب و الفضة فقال اذا بلغ قيمته دینارا ففيه الخمس.» (شیخ مفید، 1413ق، ص 283)

المقنعه: «و سئل ابو الحسن الرضا- عليه السلام- عما يخرج من البحر من اللؤلؤ، و الياقوت و الزبرجد، فقال: اذا بلغ قيمته دینارا ففيه الخمس.» (شیخ صدوق، 1415ق، ص 172)

هرچند شباهت موضوع و تعبیر، حکایت از اتحاد این سه روایت دارد، ولی نقل از سه امام مختلف می‌تواند مانع از حکم به اتحاد این سه روایت گردد. علی‌رغم این مسئله، وسائل و جامع احادیث هر دو تفاوت در نام امام را ناشی از تصحیف دانسته و هر سه روایت را در قالب یک روایت نقل کرده‌اند. (حر عاملی، 1409ق، ج 9، ص 493، ح 12565/ بروجردی، 1371، ج 10، ص 24، ح 14237)

همچنین بسیاری از روایات که در برخی نقل‌ها تقطیع شده‌اند، در کتاب وسائل به عنوان روایات متحد شناسایی شده و به افتادگی و افزودگی آن‌ها نسبت به یکدیگر اشاره شده است. این موارد با تعبیری از قبیل «لا انه زاد...»، «لا انه ترک...» و «لا انه قال...» قابل شناسایی است. جامع احادیث نیز در این موارد

همانند شیوه خود در سایر روایات، در قالب نقل متداخل دو روایت به افتادگی و افزودگی روایات اشاره کرده است.

4-6. عدم اشاره به احتمال اتحاد بین دو روایت

در بررسی موضوع اتحاد دو روایت، در بسیاری از موارد ممکن است نتیجه احتمال اتحاد باشد. هرچند در این قبیل موارد تنها احتمال مطرح است، ولی ذکر این احتمال نیز در بسیاری از موارد در برخورد با روایت تأثیرگذار است. برای نمونه، در صورت وجود احتمال اتحاد دو روایت، استناد به اختلافات در تعبیر صحیح نمی‌باشد.

با توجه به اهمیت موضوع و کثرت فواید حاصل از ذکر این احتمال، بهتر است در جوامع حدیثی، مؤلف علاوه بر اشاره به مواردی که از اتحاد آنها اطمینان دارد، موارد احتمالی را نیز مورد اشاره قرار دهد. نمونه این عمل در روایات متعارض قابل مشاهده است، که در جوامع حدیثی معمولاً هنگام اشاره به دو روایت متعارض، وجوه احتمالی جمع بین این روایات نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد.

در بخش‌های مختلفی که از دو کتاب *وسائل و جامع احادیث* مورد بررسی قرار گرفت، هیچ‌گاه اشاره‌ای به احتمال اتحاد بین دو روایت و قراین اتحاد یا عدم اتحاد دو روایت نشده است.

5-6. عدم تبیین مبانی شناخت روایات متحد و ابهام در عملکرد

گفتیم که حدیث پژوهان متأخر در خلال فعالیت‌های خود به صورت عملی با ضرورت شناسایی و معرفی روایات متحد آشنا شده و با توجه به فواید حاصل از آن تلاش کرده‌اند تا بر مشکلات موجود در این مسیر فائق آیند. از سوی دیگر، در مباحث علوم حدیث، موضوع شناسایی روایات متحد به صورت بحث مستقل طرح نشده و زوایای مختلف آن مورد بررسی قرار نگرفته است.

نتیجه این دوگانگی آن است که مؤلفان جوامعی همچون *وسائل و جامع احادیث* هرچند در عمل، نمونه‌های فراوانی از روایات متحد را شناسایی و

معرفی کرده‌اند، ولی هیچ‌گاه به تبیین دقیق مبانی خود نپرداخته‌اند. حتی با مشاهده برخی از موارد، این ذهنیت ایجاد می‌گردد که به دلیل عدم تبیین مبانی و شیوه برخورد با روایات متحد، نمونه‌هایی از دوگانگی در شیوه برخورد با این روایات در این دو کتاب وجود دارد.

به نظر می‌رسد حداقل برخی از این دوگانگی‌ها و اختلافات در برخورد با مصادیق مختلف ناشی از عدم تبیین و تنقیح موازین و معیارهای شناخت روایات متحد باشد. برای نمونه، در بحث از شناسایی موارد تقطیع در روایات به روایتی که در کتاب کافی تقطیع شده و به صورت کامل در تهذیب نقل شده بود، اشاره شد. نحوه تعامل این دو کتاب با این روایات قابل توجه است.

وسائل با توجه به شیوه خود در تقطیع احادیث، روایت تهذیب را همانند کافی به دو قسمت تقسیم کرده و با تعبیر «فی حدیث» و «الحدیث» به تقطیع شده بودن هر دو روایت اشاره کرده است. همچنین ذکر سند روایات کافی در هر دو قسمت تقطیع شده از روایت تهذیب، نشان از حکم وی به اتحاد دو روایت در کافی دارد. (همان، ج 9، ص 492، ح 12562 و ج 9، ص 498، ح 12576) ولی جامع احادیث در این مورد به شکلی متفاوت از سایر موارد عمل کرده و در یک مورد روایت اول کافی را بدون اشاره به اتحاد آن با روایت تهذیب ذکر کرده و در مورد دیگر روایت دوم کافی را به همراه روایت تهذیب در قالب یک روایت ذکر کرده است. به این ترتیب، جامع احادیث اشاره‌ای به اتحاد دو روایت کافی نکرده است. (بروجردی، 1371ش، ج 10، ص 15، ح 14223 و ج 10، ص 23، ح 14235)

6-6. اکتفا به ذکر برخی از نقل‌های روایات متحد در وسائل

حر عاملی، در موارد مختلفی از کتاب خود، یک روایت را در دو یا چند مکان مختلف تکرار کرده است. ضمن اینکه در این قبیل موارد، برخورد یکسانی با ذکر نقل‌های مختلف از یک روایت نکرده است. در برخی موارد، روایت را از یک مصدر نقل کرده است، در حالی که در جای دیگری از کتاب، چند نقل مختلف از همان روایت را از مصادر مختلف نقل کرده است.

تعدد این قبیل موارد، حاکی از آن است که ایشان اصراری بر ذکر همه نقل‌های متحد با یک روایت نداشته است. برای نمونه، وسائل، روایتی را از سه کتاب عقاب الاعمال، علل الشرایع و صفات الشیعه نقل کرده است. (حر عاملی، 1409ق، ج 24، ص 274، ح 30530)

همین روایت در جای دیگری از کتاب وسائل از دو کتاب معانی الاخبار و صفات الشیعه نقل شده است (همان، ج 24، ص 274، ح 30530) و در جای سومی تنها از کتاب معانی الاخبار نقل شده و روایت علل الشرایع به عنوان روایتی مجزا پس از آن ذکر شده است. (همان، ج 29، ص 132، ح 35324 و 35325)

6-7. کثرت حکم به اتحاد در جامع احادیث نسبت به وسائل

دیدگاه ویژه آیت الله بروجردی نسبت به شناخت روایات متحد، توجه جدی به مسئله احتمال نقل به معنی، و نگاشته شدن کتاب جامع احادیث با نگرش به کتاب وسائل الشیعه، همه از عواملی است که موجب شده است اشاره به اتحاد روایات در کتاب جامع احادیث، بسیار بیشتر از کتاب وسائل الشیعه باشد. برای نمونه، وسائل در جایی روایتی از کافی را نقل کرده است که:

«و [محمد بن یعقوب] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ كُلُّ شَيْءٍ قُوتِلَ عَلَيْهِ عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَإِنَّ لَنَا خُمْسَهُ وَ لَا يَجِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْتَرِيَ مِنْ الْخُمْسِ شَيْئًا حَتَّى يَصِلَ إِلَيْنَا حَقُّنَا.» (همان، ج 9، ص 487، ح 12550)

در همان جلد از کتاب وسائل، روایت از مقنعه شیخ مفید نقل شده است که:

«مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُفِيدُ فِي الْمُقْنَعَةِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ كُلُّ شَيْءٍ قُوتِلَ عَلَيْهِ عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَإِنَّ لَنَا خُمْسَهُ وَ لَا يَجِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْتَرِيَ مِنْ الْخُمْسِ شَيْئًا حَتَّى يَصِلَ إِلَيْنَا نَصِيبُنَا.» (همان، ج 9، ص 542، ح 12673)

به نظر می‌رسد با توجه به میزان شباهت فراوان متن دو روایت و آخرین راوی سند، دو روایت متحد باشند، ولی علت عدم اشاره صاحب وسائل به این اتحاد به درستی مشخص نیست.

جامع احادیث، این دو روایت را متحد تشخیص داده و در قالب یک روایت نقل کرده است. (بروجردی، 1371، ج 10، ص 8، ح 14206)

6-8. مقایسه دیدگاه آیت الله بروجردی و عملکرد جامع احادیث شیعه

انتظار اولیه از کتاب جامع احادیث آن است که علاوه بر در نظر گرفتن دیدگاه‌های کلی آیت الله بروجردی در جنبه‌های مختلف تدوین این کتاب، اظهار نظرهای جزئی ایشان نیز مد نظر قرار گیرد تا استفاده‌کنندگان از این کتاب، به صورت کامل از دیدگاه‌های ایشان بهره‌مند گردند؛ ولی مشاهده دیدگاه‌های ایشان، که در کتاب‌های تقریرات فقه ایشان منعکس شده، نشان از آن دارد که متأسفانه در تدوین کتاب جامع احادیث، این آرا مد نظر قرار نگرفته و کتاب بر اساس دیدگاه‌های جزئی ایشان تدوین نشده است.

برای نمونه به دو روایت ذیل توجه کنید:

من لا يحضره الفقيه: «رَوَى أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاعِ قَالَ سَأَلْتُهُ عَمَّا يَجِبُ فِيهِ الْخُمْسُ مِنَ الْكَنْزِ فَقَالَ مَا تَجِبُ الزَّكَاةُ فِي مِثْلِهِ فَفِيهِ الْخُمْسُ.» (شيخ صدوق، 1413ق، ج 2، ص 40، ح 1647)

المقنعه: «سئل الرضا(ع) عن مقدار الكنز الذي يجب فيه الخمس فقال ما يجب فيه الزكاة من ذلك ففيه الخمس و ما لم يبلغ حد ما يجب فيه الزكاة فلا خمس فيه.» (شيخ مفيد، 1413ق، ص 283)

نظر آیت الله بروجردی در رابطه با اتحاد این دو روایت در کتاب زبده این‌گونه نقل شده است: «و الذي يقوى في النفس عدم كونهما روایتين حتى ينظر في دلالة كل واحد منهما على حده بل الرواية انما هي الاولى منهما و الذي ارسله المفيد نقل لتلك الرواية بتفسير منه فالواجب حينئذ النظر الى تلك الرواية و بيان ما يستفاد منها.» (بوتراپی، 1372، ص 28)

علی‌رغم این دیدگاه و آنچه از شیوه برخورد جامع/احادیث با این قبیل روایات نقل شد، این کتاب دو روایت را متحد ندانسته و در قالب دو روایت مستقل نقل کرده است. (بروجردی، 1371، ج 10، ص 21، ح 14232 و 14233) وسائیل نیز دو روایت را به شکلی مجزا و به عنوان دو روایت ذکر کرده است. (حر عاملی، 1409ق، ج 9، ص 495، ح 12570 و ج 9، ص 497، ح 12574) نکته مهمی که به عنوان فایده توجیه به اتحاد دو روایت از جانب آیت الله بروجردی طرح شده، آن است که در صورت حکم به اتحاد دو روایت، احتمال نقل به معنی روایت در مقنعه و افزودن بخش پایانی روایت به عنوان جمله توضیحی از جانب شیخ مفید قابل بررسی خواهد بود. هرچند این مسئله تأثیری در معنی این روایت نداشته باشد، همان‌گونه که گذشت، تکرار این موارد می‌تواند استناد به الفاظ کتاب مقنعه را در موارد مشابه نیز با مشکل روبه‌رو سازد.¹

نتیجه‌گیری

بسیاری از روایات موجود در مصادر روایی ما با یکدیگر متحدند. بدین معنی که نقل‌های مختلفی از یک روایت‌اند که در مجلس واحدی از معصوم (ع) صادر شده است.

شناسایی این روایات می‌تواند فواید مختلفی را برای حدیث‌پژوهان در بر داشته باشد از قبیل: فواید رجالی، فواید متنی، کمک به حل مشکلات تقطیع، کمک به استنباط‌های فقهی، تکمیل نگاه تاریخی به سیر تدوین حدیث.

1. برای مشاهده برخی از نمونه‌های نقل به معنی در کتاب مقنعه به روایات زیر از کتاب جامع/احادیث توجه کنید:

بروجردی، 1371، ج 7، ص 183، ح 10689 و ج 12، ص 191، ح 16383
دقت در نحوه نقل سند و تلخیص آن در مقنعه، حاکی از آن است که در تفاوت بین مقنعه و کتب دیگر، اختلاف ناشی از تغییر از جانب کتاب مقنعه است.

اتحاد یا تعدد در روایات مشابه؛ بررسی تطبیقی عملکرد کتاب‌های ... □ 35

برای شناسایی روایات متحد می‌توان به معیارهایی از قبیل شباهت سندی، شباهت متنی و نقل قضایای خاص اشاره کرد. در این مسیر، موانعی نیز وجود دارد که عبارت‌اند از نقل به معنی، تصحیف و تقطیع.

بررسی مسئله روایات متحد در دو جامع حدیثی متأخر، *وسائل الشیعه* و *جامع احادیث الشیعه*، حکایت از آن دارد که علی‌رغم عدم تبیین نظری این موضوع توسط مؤلفان. این دو کتاب در مسیر شناسایی روایات متحد، شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند. از جمله:

— تلاش برای احصای روایات متحد؛

— اشاره به فواید متنی و سندی ناشی از کنار هم قرار گرفتن روایات متحد؛

— حکم به اتحاد علی‌رغم تصحیف یا تقطیع روایات؛

— عدم اشاره به موارد احتمالی در اتحاد روایات؛

در این میان، تنها جامع احادیث، روایاتی را که نقل به معنی شده‌اند نیز جزء روایات متحد دانسته است. این مسئله در کنار جایگاه روایات متحد در دیدگاه فقهی آیت الله بروجردی موجب شده است تا اشاره به اتحاد روایات در کتاب جامع احادیث بسیار بیشتر از کتاب *وسائل* باشد.



منابع

1. ابوترابی، سید عباس؛ *زبدة المقال*؛ تقریرات آیت الله بروجردی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1372ش.
2. بروجردی، سید حسین؛ *جامع احادیث الشیعه*؛ به اهتمام اسماعیل معزی ملایری، قم: بی‌نا، 1371ش.
3. _____؛ *ترتیب اسانید کتاب الکافی*؛ تنظیم حسن نوری، مشهد: مرکز پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، 1413ق.
4. بهرامی، محمدحسین؛ «ندیشه‌های حدیثی علامه محمدتقی شوشتری در کتاب النجعه»؛ *مجله علوم حدیث*، شماره 32، 1383.

5. رامهرمزی، حسن بن عبدالرحمن؛ المحدث الفاضل بین الراوی و الواعی؛ بیروت: دار الفکر، 1404ق.
6. سخاوی، محمد بن عبدالرحمن؛ فتح المغیث؛ ریاض: مکتبه دار المنهاج، 1426ق.
7. سلطانی، محمد علی؛ «فقه الحدیث در نگاه آیت الله بروجردی»؛ فصلنامه علوم حدیث، شماره 17، 1379ش.
8. شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی؛ الرعاية لحال البدایة فی علم الدراية؛ قم: بوستان کتاب، 1381ش.
9. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ المقنع؛ قم: مؤسسه الامام الهادی (ع)، 1415ق.
10. _____؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1413ق.
11. شیخ طوسی، محمد بن حسن؛ الاستبصار فیما اختلف من الاخبار؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1390ق.
12. _____؛ تهذیب الاحکام؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1407ق.
13. حر عاملی، محمد بن حسن؛ تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ قم: مؤسسه آل البیت (ع)، 1409ق.
14. حمش، عذاب محمود؛ علم تخریج حدیث و نقده؛ عمان: دار الفرقان، 1420ق.
15. طحان، محمود؛ اصول التخریج و دراسة الاسانید؛ ریاض: مکتبه الرشد، 1403ق.
16. عبدالمهدی بن عبدالقادر؛ طرق تخریج حدیث رسول الله (ص)؛ قاهره: دار الاعتصام، 1987م.
17. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر عیاشی؛ تهران: چاپخانه علمیه، 1380ش.
18. غروی، میرزا علی؛ التنقیح فی شرح العروة الوثقی، تقریرات درس آیت الله خویی؛ قم: دار الهادی، 1410ق.
19. غفاری، علی اکبر؛ تلخیص مقباس الهدایه؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، 1369ش.
20. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1407ق.
21. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)؛ بیروت: مؤسسه الوفا، 1403ق.
22. مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ المقنعه؛ قم: کنگره شیخ مفید، 1413ق.
23. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1367ش.